

بررسی مصادیق قطع در آیه ۲۷ سوره مبارکه بقره^۱ از دیدگاه آیت الله العظمی جوادی آملی

محبوبه کرمی راویز^۲

چکیده

افرادی در خانواده‌های اصیل دینی رشد کرده و به آنچه که خدای متعال امر به وصل آن نموده است عمل می نمایند وقتی وارد اجتماع رسمی شدند، دست به افساد در زمین نمی‌زنند، زیرا با روح پیوند و ایثار، گام به جامعه نهاده‌اند، ولی کسانی که از خانواده‌های غیر دینی برخاسته‌اند، چون اصل پیوند فطری بین اعضا، در اثر رعایت نکردن قانونینی از جمله ارتباط با ارحام و بستگان، برادران دینی، امت مسلمین و امام مسلمین فراموش شده است؛ لذا با ورودشان به جامعه رسمی، باعث افساد در زمین خواهد شد. خدای سبحان در آیه ۲۷ سوره مبارکه بقره از قطع این روابط نفی کرده ایت قطع در این آیه مفهوم جامعی دارد که در موارد گوناگون، مصادیق آن متفاوت است. این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی با هدف دستیابی به مصادیق قطع از دیدگاه آیت الله جوادی آملی پرداخته است و به نتایجی دست یافته است که مصادیق قطع عبارتند از: ۱. قطع ارتباط با ارحام که شامل قطع ارتباط با پدر و مادر، قطع ارتباط با بستگان و قطع ارتباط با همسر است. ۲. قطع ارتباط با برادران دینی ۳. قطع ارتباط با امت اسلامی ۴. قطع ارتباط با امام مسلمین.

کلید واژه ها: ارتباط، قطع، مصادیق، وصل

^۱ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ
^۲ طلبه موسسه آموزش عالی حوزوی حضرت زینب کبری سلام الله علیها - رفسنجان

مقدمه

از دیدگاه مفسران برای قطع آنچه خدای متعال امر به وصل آن نموده است مصادیق متعددی بیان شده است یکی از مفسران که مصادیق قطع را به صورت جامع بیان کرده است حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی است. بسیاری از مشکلات جامعه امروزی که منجر به فساد در زمین ناشی از قطع آنچه خدای متعال امر به وصل آن نموده است. لذا این تحقیق به روش توصیفی و تحلیلی به هدف تبیین مصادیق قطع از دیدگاه حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی تدوین شده است. علی رغم اهمیت موضوع تا کنون به جزء مباحث اندک تفسیری اثر مستقلی با این موضوع به رشته تحریر در نیامده است. بنابراین سوال اصلی این تحقیق این است که مصادیق قطع در آیه ۲۷ سوره بقره کدامند و برای دستیابی به پاسخ این سوال مباحث تفسیری حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی ذیل آیه در آثار ایشان مورد بررسی قرار گرفته است.

مصادیق قطع در آیه ۲۷ سوره مبارکه بقره

عنوان «ما امر الله به آن یوصل» که یک بار در سوره بقره آیه ۲۷ و دوبار در سوره رعد آیه ۲۱ و ۲۵ ذکر شده بر اهمیت چیزی که وصل به آن دستور داده شده دلالت دارد؛ ذکر صفت قطع آنچه خداوند به وصل آن امر کرده است از باب ذکر خاص بعد از عام و تفصیل بعد از اجمال است، زیرا وقتی فرمود فاسقان عهد خدا را نقض می کنند اوصاف دیگر آنان را نیز پوشش همین عنوان کلی نقض عهد است شامل می شود. قطع کردن آنچه را خدای سبحان به وصل آن امر کرده، در حقیقت مصداقی از مصادیق نقض عهد است، چون عهد خداوند همین است که انسان نه در عقیده، خلق و عمل به امور دینی پای بند بوده، با آنها در ارتباط باشد.

مفهوم شناسی قطع و وصل

قطع

قطع: بفتح قاف بریدن. اعم از آنکه محسوس باشد مثل **وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا ...** مائده: ۳۸. (سید علی اکبر قرشی، ج ۶، ص ۲۱)

الْقَطْعُ: بریدن و جدا کردن چیزی است که یا با چشم درک میشود مثل اجسام مادی و یا با بصیرت و فهم، مثل امور معقول و خردیاب، و از این واژه است قَطْعُ الأَعْضَاءِ. (ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ج ۳، ۲۱۹)

قطع مفهوم جامعی دارد که در موارد گوناگون مصادیق آن متفاوت است، گاهی قطع به معنای پیمودنی است که زمینه وصل را فراهم می سازد و چنین قطعی ممدوح است و قرآن کریم آن را به رزمندگان نسبت داده، می فرماید: «وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (توبه/۱۲۱) رزمندگان هیچ بیابانی را نمی پیمایند، جز این که برای آنها عمل صالح نوشته می شود و گاهی قطع به معنای بریدن چیزی است که خداوند به وصل آن امر کرده، که این قطع مذموم است. خدای سبحان عبد را به مولای خود مرتبط می داند و اگر عبدی این پیوند عبودیت را قطع کند این کار، قطع (ما امر الله به ان يوصل) است.

وصل

الْوَصْلُ: اتِّحَادُ الْأَشْيَاءِ بَعْضُهَا بِبَعْضٍ كَاتِّحَادِ طَرَفِي الدَّائِرَةِ، وَ يَضَادُ الْإِنْفَصَالَ، وَ يَسْتَعْمَلُ الْوَصْلُ فِي الْأَعْيَانِ، وَ فِي الْمَعَانِي. يُقَالُ: وَصَلْتُ فَلَانًا. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ* [البقرة/ ۲۷] (مفردات ألفاظ القرآن، ۸۷۳)

وصل: وَصَلْتُ الشَّيْءَ وَصْلًا وَ صِلَةً، وَ الْوَصْلُ ضِدُّ الْهَجْرَانِ. (لسان العرب، ج ۱۱، ۷۲۶)

وصل: وصول بمعنی رسیدن است گویند «وَصَلَ إِلَى الْخَبَرِ وَصُولًا» خبر بمن رسید و آن در واقع متصل شدن چیزی بچیزی است «فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ» (سوره انعام/ ۱۳۶). آنچه برای بتهایشان است بخدا نمیرسد و در راه خدا صرف نمیشود ولی آنچه برای خداست به بتها میرسد. آیه راجع به بدعتهای مشرکان است. (سید علی اکبر قرشی، ج ۷، ص ۲۲۲)

مصادیق قطع

خدای سبحان انسان را موجودی اجتماعی آفریده، ارتباطی میان او و اعضای خانواده، ارحام، برادران دینی، همسایگان، امت اسلامی و امام مسلمین و نیز پیوند انسانی با جوامع غیر اسلامی در سایه دستور روابط بین الملل اسلام قرار داده است که همه این موارد به صورت اجمال و تفصیل در آیات قرآن کریم و یا سنت معصومین (علیهم السلام) بیان شده است و کسی که پیوندها را قطع کند ارتباطی را که خدا به وصل آن امر کرده، قطع کرده است. اکنون به شرح موارد مذکور می پردازیم:

۱- قطع ارتباط با ارحام

۱-۱ قطع ارتباط با پدر و مادر

قطع رابطه انسان با پدر و مادر و فرزندان خود، از مصادیق روشن قطع «ما امر الله به ان یوصل» است. نیکی به پدر و مادر، از راه های مهم رشد و تعالی در همه زمینه ها و تقرب به خدای سبحان است. که پس از ایمان به خدا از با فضیلت ترین اعمال دینی به شمار می آید و اجر و پاداش مادی و معنوی فراوانی دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۹) قطع ارتباط با آنان هم نوعی پیمان شکنی با خدای سبحان به شمار می آید و آن چنان نزد خدا منفور است که از مصاحبت و همراهی با قاطع رحم نهی شده و خدای سبحان در سه جای قرآن او را لعن و نفرین کرده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۹)

قرآن کریم درباره پدر و مادر می فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا»؛ (سوره احقاب / آیه ۱۵) ما توصیه کردیم تا انسان حرمت پدر و مادر را رعایت کند و نسبت به احترام مادر تاکید بیشتری می کند: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» (سوره لقمان/آیه ۱۴) و برای نشان دادن اهمیت حرمت پدر و مادر نخست نام مبارک خدا و بعد از آن نام پدر و مادر را ذکر می کند تا وحدت سیاق اهتمام به مطلب را برساند؛ زیرا والدین مجرای فیض خالقند و عقوبت آنها را مصادیق بارز قطع و از گناهان کبیره است.

در شریعت اسلام برخی احکام تشریع شده است که صحت آن مشروط به اسلام است، مانند نماز و روزه. پس غیر مسلمان، گرچه نماز بر او واجب است، لیکن نماز او صحیح نیست. برخی احکام نیز صحت آن مشروط به

اسلام نیست و از قوانین بین المللی اسلام است که رعایت حق پدر و مادر از این دسته است. پس اگر پدر و مادر ملحد یا اهل کتاب نیز باشند احترام آنها و رفع نیازهایشان بر فرزند واجب است: «وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا» (سوره لقمان/آیه ۱۵)

جامعه انسانی نیازمند علل و عواملی است تا گرایش و صفای ضمیر بین افراد آن تأمین شود و صرف قوانین و مقررات سیاسی، نظامی، اقتصادی و... کافی نیست و از طرف دیگر، جامعه بزرگ بشری را جوامع کوچک خانوادگی می سازند؛ یعنی اعضای خانواده های متعدد عامل تحقق مجتمع رسمی خواهند بود و مادامی که سبب رأفت و گرایش در بین اعضای خانواده پدید نیاید، هنگام تشکّل مجتمع رسمی نیز هرگز بین آحاد آن، صفای ضمیر و روح تعاون و پیوند دوستی برقرار نخواهد شد و مهم ترین عاملی که بین افراد خانواده، رأفت و گذشت و ایثار را زنده می کند، تجلّی روح مادر در بین اعضای خانواده است، زیرا پدر، گرچه به عنوان «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» عهده دار کارهای اداری و اجرایی جامعه کوچک، یعنی خانواده است، لیکن اساس خانواده که بر مهر و وفا و پیوند پی ریزی شده است، به عهده مادر است، زیرا مادر مبدأ پیدایش و پرورش فرزندی است که هر کدام به دیگری وابسته اند.

افرادی که از یک زن متولّد می شوند، همانند میوه های یک درخت نیستند که روح ایثار انسانی در سطح گیاه ظهور نکند، و یا مانند بچه های یک حیوان ماده نخواهند بود که فاقد تعاون انسانی بوده و پیوند خاص بشری در آنها جلوه نکند، بلکه فرزندان متولد شده از یک زن، خواه بدون فاصله و خواه با فاصله، نسبت به یکدیگر رثوف و مهربان بوده و پیوند فطری خود را در پرتو تعالیم دینی شکوفا می نمایند، و در مکتب دین، حفظ این پیوند و فراموش نکردن آن از واجبات مهم به شمار آمده و اگر کسی این پیوند فطری و دینی را قطع نماید، از رحمت ویژه الهی محروم خواهد شد، زیرا صله رحم از چیزهایی است که خداوند به آن امر فرموده و درباره قاطعان چیزی که باید وصل شود، لعن و نفرین الهی وعده داده شده است؛ «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (سوره بقره/آیه ۲۷) آنانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می شکنند، و آنچه را خدا به پیوستن آن امر نموده، می گسلند و در زمین به فساد می پردازند، آنانند که زیانکاراند. «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ

افرادی که خدای سبحان در محدوده خانواده به ارتباط با آنان امر کرده، هر چند متدین نباشند، ارتباط مزبور تا آن جاست که به سایر احکام دین آسیبی نرساند، ولی اگر بر اثر این ارتباط، سایر احکام دین در خطر قرار گرفت، ارتباط با غیر متدینها نه تنها لازم، بلکه جایز هم نیست، چنانکه پدر و مادر غیر مسلمانان بخواهند فرزند خود را به شرک آلوده کنند: (و ان جاهداک علی ان تشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما) (۱۴۴۹) در این جا مجالی برای صله رحم نیست. از بیانات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که از جوامع کلم و از اصول حاکم بر همه احکام شرعی است جمله لا طاعه لمخلوق فی معصیه الخالق (۱۴۵۰) است، یعنی، احدی نمی تواند در محدوده خلاف شرع، خود را در اطاعت از مخلوق حتی اگر از خودش برتر باشد معذور بپندارند. و جمله معروف المامور معذور نیز باید محکوم اصل کلی و جامع نبوی شود.

۲- قطع ارتباط با برادران دینی

کسی که حرمت برادر مسلمانان را رعایت نکند، کار او مشمول قطع (ما امر الله به ان یوصل) است. از آیات قرآن کریم به دست می آید که دین الهی، عامل وحدت جوامع انسانی و مایه تشکیل صف واحد است و با صراحت، مومنان را برادر یکدیگر معرفی می کند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (سوره حجرات/آیه ۲) با توجه با این که برادران، تحت تدبیر پدر واحد قرار دارند، رسول مکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و علی (علیه السلام) را که به منزله نفس آن حضرت (صلی الله علیه و آله وسلم) است دو پدر امت اسلامی می داند: «أنا و علی ابوا هذه الامه» (بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۹۵). (جوادی آملی، ج ۵ ص ۴۳۴)

در قرآن از ولایت مومنان نسبت به یکدیگر نیز خبر می دهد و می فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (سوره توبه/آیه ۷۱) (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۳۱) بنابراین اولاً مومنان برادران یکدیگرند و ثانیاً نسبت به هم ولایت دارند و نتیجه این ولایت این است که همدیگر را دوست بدارند و و به ارشاد هدایت یکدیگر بر خیزند و همدیگر را به امر به معروف و نهی از منکر توصیه کنند.

ارتباط با همسایه نیز تا شعاع چهل خانه موجب پیدایش حق همسایگی است و خدای سبحان رعایت حقوق همسایگان را واجب کرده و کسی که این حقوق را رعایت نکند در حد خودش مشمول (ویقظعون ما امر الله به ان یوصل) است. البته شعاع چهل خانه اختصاصی به مجاورت افقی و حدود چهارگانه معهود ندارد، بلکه جوار عمودی برج نشینان را شامل می شود؛ یعنی، جهت بالا و پایین نیز بر جهات چهارگانه معروف افزوده می شود.

۳- قطع ارتباط با امت اسلامی

کسی که از صف مسلمانان جدا شود، مشمول قطع (ما امر الله به ان یوصل) است. محور ایمان مومنان، خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، و اهل بیت (علیهم السلام) هستند و بر آنان لازم است در این محور با یکدیگر در همه امور اجتماع و هماهنگی داشته باشند و از تفرقه و جدایی بپرهیزند چنانچه خدای سبحان درباره ارتباط امت اسلامی می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (سوره آل عمران/آیه ۱۰۳) پس اگر کسی تنها به حبل الله تمسک کند، ولی از امت اسلامی جدا شود و تک روی و تک اندیشی کند مشمول قطع مزبور خواهد شد؛ زیرا خدای سبحان ما را به وحدت با امت اسلامی فرا خوانده و دستور داده تا همه با هم به حبل الهی اعتصام کنیم. از این رو کسی حق ندارد به تنهایی بیندیشد و از جمع مسلمانان جدا شود؛ زیرا پیام آیه مزبور دو چیز است یکی اصل اعتصام و تمسک به حبل متین الهی و دوم اجتماع در اعتصام و معیت در تمسک؛ نظیر نماز جماعت که غیر از اصل نماز، اجتماع و معیت در نمازگزاری را به همراه دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷)

امیر مومنان (علیه السلام) می فرماید: فان الشاذ من الناس للشیطان كما ان الشاذ من الغنم للذئب؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷) چنانکه گوسفند وامانده از رمه صیانت چوپان محروم و طعمه گرگ می شود، فرد وامانده از امت اسلامی و تک اندیشی و تک رو نیز طعمه شیطان می شود. از این رو خدای سبحان می فرماید: همه با هم به حبل الهی اعتصام کنید و از تفرقه بپرهیزید. از کسانی که دست به تفرقه می زنند با نکوهش یاد می کند: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوا فَتَقَاطَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (سوره مومنون/۵۲ و ۵۳) و اختلاف بی جا را نشانه نابرداری می داند و از مختلفان و مخالفان بی جهت به بی عقلی یاد می کند: «تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (سوره حشر/آیه ۱۴) رسول خدا فرمود:

«المسلم أخو المسلم لا يظلمه و لا يغشه و لا يخذله و لا يغتابه و لات يخونه و لا يحرمه» ای مردم به اجتماع رو آورید و از جدایی پرهیزید. (الكافي، ج ۲، ص ۱۶۷) (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۹)

۴- قطع ارتباط با امام مسلمین

مهمترین مصداق قطع (ما امر الله به ان یوصل) قطع پیوند با امام مسلمین است. قرآن کریم در این باره می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ^۱ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ^۲ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ اللَّهُ^۳ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (سوره فرقان/آیه ۶۲) مومنان واقعی گذشته از اعتقاد به خدا و پیامبر، در مسائل اجتماعی و اموری که همه باید حضور داشته باشند، مانند جنگ، نیز رهبر را تنها نمی گذارند. آنها که اصلاً حضور پیدا نمی کنند در همان قدم اول محکومند و آنان که ابتدا آماده اند ولی بعداً می خواهند از صحنه بروند باید از ولی مسلمین اجازه بگیرند و در مواقع استیذان نیز باید واقعا معذور باشند؛ زیرا کسی که بدون اذن از صحنه برود قطع (ما امر الله به ان یوصل) کرده است.

خدای سبحان در این کریمه به رسول خود دستور می دهد تا محرومیت شخص ماذون در ترک صحنه را با استغفار جبران کند؛ زیرا او از فیض حضور در کنار امام محروم شده و همین طور بر رهبر لازم نیست به هر کسی که اجازه می خواهد اذن رفتن دهد، بلکه زمام امر به دست اوست و به هر کسی صلاح دید می تواند اذن بدهد.

قرآن کریم درباره کسانی که هنگام دعوت پیامبر برای حضور در امور مهم اجتماعی، مانند جنگ با تربص و ارباب منتظر بودند تا وقتی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) صورت مبارکش را به سویی قرار داده، آنها از سوی دیگر فرار کنند، می فرماید: «قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلُّونَ مِنْكُمْ لَوْأَدَّاءَ فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (سوره نور/آیه ۶۳) اینان اگر دست از مخالفت برندارند، یکی از دو خطر متوجه آنان خواهد شد، یعنی، مورد اصابت فتنه یا عذاب دردناک الهی قرار می گیرند. همچنین خدای سبحان به کسانی که در همه مراحل با پیامبر بوده اند می فرماید: مبادا در میدان جنگ خط مقدم را خالی کنید و به

رهبر آسیبی برسد: «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ» (سوره توبه/ آیه ۱۲۰) غرض آن که، مضمون آیه تحذیر از استیثار و ترغیب به ایثار رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) بر خود است.

نتیجه

برای رسیدن به یک جامعه آرمانی لازم است انسان به آنچه که خدای سبحان امر به وصل نموده عمل نماید چرا که زمینه ساز بسیاری از مفسدات اجتماعی در عدم رعایت این امر الهی است از دیدگاه آیت الله جوادی آملی مصادیق قطع شامل قطع ارتباط با ارحام، قطع ارتباط با برادران دینی، قطع ارتباط با امت اسلامی، قطع ارتباط با امام مسلمین می باشد. انسان برای رسیدن رشد تعالی و تقرب به خدای سبحان باید با خویشاوندان خود ارتباط داشته باشد حتی با یک سلام کردن و یا پاسخ نیکو به سلام دادن است. و برای ایجاد وحدت در جامعه اسلامی برای مقابله با دشمنان داخلی و خارجی باید بین امت مسلمین پیوند برادری برقرار شود و از امام مسلمین اطاعت کند.

فهرست منابع

❖ قرآن

❖ نهج البلاغه

منابع فارسی

- ۱- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸). *اسلام و محیط زیست*، قم: انتشارات اسراء.
- ۲- _____، (۱۳۹۷). *تفسیر تسنیم*، قم: انتشارات اسراء.
- ۳- _____، (۱۳۹۰). *ولایت در قرآن*، قم: انتشارات اسراء.
- ۴- _____، (۱۳۹۵). *مفاتیح الحیاه*، چاپ صد و شانزدهم، قم: انتشارات اسراء.
- ۵- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*،

منابع عربی

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت، انتشارات دار صادر.
- ۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، چاپ اول، بیروت، انتشارات دارالشامیه، ۱۴۱۲ه ق.